

## «مرگ بر آمریکا»، بخشنامه نیست که با مَه‌ری باطل شود

انقلاب مشاهده کرده‌اند، بخوبی می‌دانند تغییر شعارهای مردمی چونان بخشنامه‌ها و اطلاعیه‌های دولتی نیست که با یک امضا صادر شده و با امضایی دیگر لغو شود. این شعارها به مرور زمان و با رصد دقیق شرایط شکل گرفته و تنها با تغییر یک رویکرد یا حصول نتیجه به خواست مردم پایان می‌پذیرد؛ بنابراین نمی‌توان از دولت‌ها این انتظار را داشت که در شعارهای مردم دست‌اندازی کرده و الزام آن را با خواست خود همراه سازند. هر چند دولت‌ها در ایران، خود برآمده از رأی مردم و در نتیجه همراه با مطالبات عمومی هستند، اما بدیهی است که مقتضیات دولت‌مردی و برخی راهبردهای کوتاه‌مدت یا میان‌مدت ایجاب می‌کند مقامات مسئول در رده‌های مختلف، ادبیاتی متفاوت را برای یک موضوع برگزینند. با وجود این نباید انتظار داشت امواج خروشان عزم و اراده مردم تحت تاثیر این فراز و نشیب‌های دیپلماتیک، دچار تغییر شده و بدون رسیدن به فرجام، شعاری استراتژیک به فراموشی سپرده شود.

بنابراین شعار مرگ بر آمریکای مردم ایران که البته بارها تاکید شده است که اشاره‌ای به ملت این کشور نداشته و تنها معطوف به سیاست‌های خصمانه دولت آمریکاست، طی ۳۴ سال گذشته نه تنها ناشی از دستور دولت‌ها نبوده، بلکه مستقل از آن به عنوان یک راهبرد ملی مورد استفاده مردم قرار می‌گرفته است، بنابراین تنها زمانی می‌توان پایان سردادن این شعار را منتظر بود که تغییری محسوس در سیاست‌های دولت آمریکا از سوی مردم (و نه فقط دیپلمات‌ها) به اثبات برسد. تغییری که البته به معنای لبخندهای دوربینی و بازی‌های کلامی نبوده و تنها در عرصه عمل باید خود را به نمایش گذارد. چنین است که ادامه شعار مرگ بر آمریکا، نه فقط به معنای تضعیف سیاست‌های دولتی که راهبرد تنش‌زدایی را در سطح جهان دنبال می‌کند نیست، بلکه یاریگر دیپلمات‌هایی است که با پشتوانه مطالبات مردم خود می‌توانند بر سر میز مذاکره از منافع مردمی دفاع کنند که کوچک‌ترین عقب‌نشینی از منافع ملی خود را نمی‌پذیرند.

شعار مرگ بر آمریکا همچنین یک پیام آشکار برای کاخ سفید دارد و آن این است که برای تغییر نگرش مردم ایران نسبت به خود، بهتر است به جای روی آوردن به ژست‌های دیپلماتیک و زبان بازی‌های سیاستمداران، چنان رفتار کند که در عمل مردم ایران پایان سیاست‌های خصمانه‌شان را در زندگی روزمره مشاهده کنند و شاید در این شرایط بتوانند مستقل از هر تاکتیک دولتی، در سردادن شعار مرگ بر آمریکا تصمیمی دیگر بگیرند.

در کشورهای مردم‌سالار، نقش مردم و نهادهای مردمی چنان برجسته است که دولت‌ها نه تنها مخالفت با اندیشه‌های مردم را در جهت منافع خود نمی‌دانند، بلکه ملزم به پذیرش خواست عمومی و دنبال کردن منافع ملی در چارچوب آنچه از سوی مردم بیان می‌شود، هستند.

هر چند در کشورهای دموکراسی، نمایشی است، مطالبات مردمی بهانه‌ای است برای توجیه برخی اقدامات دولت، اما در نظام‌هایی که مردم سالاری را در تمامی ابعاد پذیرفته‌اند، دموکراسی ایجاب می‌کند دولت نگاه بخشنامه‌ای به اراده عمومی نداشته و برای مردم تعیین تکلیف نکند.

در چنین چارچوبی، طرح شعارهایی از سوی مردم که معمولاً نه به صورت دستوری، بلکه خودجوش و حاصل از خواست قلبی مردم مطرح می‌شود، قابل کمرنگ شدن و حذف نیست، مگر آن که خود مردم به این نتیجه برسند که تکرار یک شعار ضرورتی ندارد.

در کشور ما که انقلاب اسلامی توانست رأی مردم را به جایگاه حقیقی خود بازگرداند، پیشینه طرح این گونه شعارها به دوران انقلاب برمی‌گردد. دوره‌ای که نه تنها هیچ کس نمی‌توانست برای مردم شعار تعیین کند، بلکه گروهک‌هایی که شعارهای خاص خود را طرح می‌کردند، نمی‌توانستند چنین شعارهایی را ماندگار سازند، چرا که مردم با آنها همراه نبودند. چنین بود که از دل شور و شوق انقلابی مردم، شعارهایی چون «مرگ بر شاه» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» سر برآورد و تا رسیدن به نتیجه نیز ادامه یافت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که ایالات متحده با پناه دادن به شاه فراری، دشمنی خود با انقلاب مردم ایران را آشکار کرد و مدتی بعد، مدارک به دست آمده در تسخیر سفارت این کشور نشان داد دامنه ظلم‌ها فراگیرتر است و بعد، بلوکه کردن دارایی‌های کشورمان، تحریم‌های اقتصادی گسترده، کمک به دولت عراق برای تجاوز به ایران و... مردم را در طرح شعار مرگ بر آمریکا مصمم کرد و هر چند روابط ایران و آمریکا طی بیش از سه دهه‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته، فراز و نشیب‌های بسیاری داشته؛ اما تغییر نکردن در سیاست‌های دشمنانه و اشنگتن علیه ایران، مرگ بر آمریکا را به شعار ثابت تمامی اجتماعات و راهپیمایی‌های میلیونی کشورمان در این سال‌ها تبدیل کرده است.

آنها که اندک شناختی از اراده ملت ایران دارند و مواجهه مردم با مسائل بین‌المللی را طی سال‌های پس از